

د: ۸۶/۱۱/۱۰

پ: ۸۷/۲/۲۴

## رمزگشایی از یک نسخه خطی

مجید آقاخان پورسرخاب\*

### چکیده

موضوع مقاله حاضر درباره رمزگشایی از یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تبریز است. در صفحه آغاز این نسخه [دقایق الحقایق]، پس از ذکر نام کتاب، قسمت‌هایی از سلسله نسب سلطان ولد به صورت رمز نوشته شده است. این مقاله، مراحل و چگونگی خواندن این رمزها را توضیح می‌دهد.

کلیدواژه: دقایق الحقایق، حقایق الدقایق، ابوبکر، سلطان ولد، رمز، رمزگشایی.

در شماره پیاپی ۳۹ فصلنامه آینه میراث، مقاله‌ای از این جانب چاپ شد به نام «دقایق و حقایق درباره حقایق الدقایق»، که درباره یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تبریز، موسوم به حقایق الدقایق بود. به طوری که در آنجا نیز گفته شد، این کتاب همان دقایق الحقایق شیخ احمد رومی (سده‌های ۸-۷ ق) است که اشتباهاً به سلطان ولد، فرزند جلال‌الدین مولوی نسبت داده شده است.<sup>۱</sup>

در صفحه آغاز این نسخه، پس از ذکر عنوان کتاب و نام مؤلف آن، سلسله انساب وی (سلطان ولد) ذکر شده و در ادامه آن، حروفی به صورت رمز نوشته شده است:

... اما بعد، بدانکه این کتاب از تصانیف محمد بن جلال‌الدین رومی ابن شهاب‌الدین ولد بن شیخ حسین ابن عطاء بلخی ابن نصرالله

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و کتابدار کتابخانه مرکزی تبریز.

Email: a.sorkhab@yahoo.com

آینیتر

۲۵۰

X I E O - X H A - O - X V - X  
 H B X M V O V L H X B B  
 X H X B O V X H B V - H H H X  
 V X V X B = A O B V X I V = O V

و تألیف این کتاب شریف مبنی بر هشتاد فصل کرده...<sup>۲</sup>

نگارنده پس از سعی و تلاش بسیار، توانست کلید گشایش این رمزها را از خود نسخه و از حکایتی که در فصل هفتاد و هشتم آن آمده به دست آورد:

در اصحاب رسول صلی الله تعالی علیه و سلم شخصی بود که هفت سال تمام نماز پنج وقت در عقب رسول خدا گزارده [گزارده] بود و پیوسته فخر آوردی که چندین سال است که در عقب رسول خدا پنج وقت نماز به جا می آورم بی فوت. از قضا روزی به مسجد درآمد. دید که رسول الله صلی الله علیه و سلم با آن جماعت امامت کرده است و نماز ظهر گزارده [گزارده] و به خانه رفته.  $\text{H A - M - X}$  و دیگر جماعت از اصحابه در مسجد نشستند. آن شخص از تأسف فوت نماز جماعت کریه [گریه] آغاز کرد و کریه [گریه] از حدّ ببرد.

$\text{H A - M - X}$  گفت: ای عزیز! این چندین کریه [گریه] از بهر چیست؟ گفت: از برای آنکه مرا در دل نیت آن بود که چندان که عمر من باشد پنج وقت نماز با رسول خدا گزارم [گزارم]. امروز وقت فوت کرده ام.  $\text{H A - M - X}$  گفت: شانزده سال است که در عقب رسول خدا نماز به جماعت گزارم [گزارم]. با این سوز دل و قطره های آب چشم تو می فروشم. آن شخص شاد گشت [گشت] و راضی شد.

و  $\text{H A - M - X}$  راضی تر گشت [گشت]. در این بیع و شرا بودند که حضرت رسالت پناه صلی الله تعالی علیه و سلم از در مسجد درآمد.  $\text{H A - M - X}$  حال را به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم عرضه کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: یا  $\text{H A - M - X}$  بیع و شرای سودمند کرده ای و نزد خدای تعالی قطره ای آب دیده که از ترس خدای متعال باشد و رای هزار ساله عبادت است...<sup>۳</sup>

چنان که می بینیم تعدادی از این حروف رمزی که در مقدمه کتاب به کار رفته در حکایت فوق نیز تکرار شده است. با مراجعه به این داستان در کتاب دقایق الحقایق شیخ احمد رومی، رمز این حروف گشوده شده و معلوم می شود نام «ابوبکر / ابی بکر»، خلیفه اول است که در دو شکل نوشته شده است:

H Λ - O - X      H Λ - L - X  
 الف ب ی ب ک ر      الف ب و ب ک ر

در هر سه نسخه، که در تصحیح کتاب دقایق الحقایق از آنها استفاده شده، به جای این حروف رمزی، کلمه «ابوبکر» یا «ابوبکر صدیق» نوشته شده است:

... شخصی بود که هفت سال تمام پنج وقت نماز از عقب پیغامبر خدا گزارده بود... از قضا روزی در مسجد آمد. دید که رسول خدا نماز گزارده است و به خانه رفته. ابوبکر و جماعتی دیگر از صحابه در مسجد نشستند... از تأسف فوت نماز گریه آغاز کرد... ابوبکر صدیق گفت که: من شانزده سال است که نماز پنجگانه از عقب رسول خدا می گزارم... به آن سوز و قطره های آب چشم تو می فروشم... درین بیع و شری بودند که پیغمبر از در مسجد درآمد. ابوبکر صدیق حال را به خدمت رسول عرضه گردانید...<sup>۴</sup>

\*\*\*

با مشخص شدن این ۶ حرف و جایگزینی آنها در عبارت رمزی مقدمه نسخه - که از ۲۰ حرف رمزی تشکیل شده است - توانستیم کل عبارت را رمزگشایی کنیم. این ۲۰ حرف عبارت اند از:

X - - - - - I - I - I - I - H - H - H - - - - - E - E - E - - - - - V - V - V - - - - - B - B - O  
 الف ب ت ج ح خ د ر ش ع ف ق ک ل م ن و ی

که در عبارت ذیل به کار رفته اند:

X - - - - - V - X - - - - - O - - - - - X H Λ - - - - - O I E I X  
 الف ب ن الف ب ی ب ک ر الف ب ی ق ح الف ف  
 H - - - - - I - H H H X V O V B X B X H  
 ه الف ش م ی م الف د ر ش د خ ت ر  
 X - - - - - H X B O V X H B V - - - - - H H I - - - - - H Λ - - - - - X  
 الف ب ر الف ه ی م الف د ه م ب و د ر ع و الف  
 V X V V X V X B = V O B V X I V = O V  
 ن الف ل ل الف ه ع ل ی م الف ج م ع ی ن

این حروف به شیوه زیر رمزگشایی شده است:

۱. کلّ عبارت - که از راست به چپ نوشته شده است - ۶۶ حرف رمزی است که با یافتن رمز حروف کلمه «ابو / ابی بکر»، ۳۲ حرف آن خوانده می‌شود.
  ۲. در سطر اوّل، این رمز: ۷، بعد از دو حروف «الف» و «ب»، حرف «ن» را به ذهن متبادر می‌کند: ابن.
  ۳. در همین سطر با علم به اینکه نام پدر ابوبکر، «ابو / ابی قحافه» است، رمز تعداد دیگری از حروف گشوده می‌شود.
  ۴. در سطر سوم، این رمز: ۹۴ که نماد حرف «م» است کلمه «ابراهیم» را کامل می‌کند و بدین ترتیب چندین حرف دیگر نیز مشخص می‌شود.
  ۵. در سطر دوم، این رمز: ۱۱، نماد حرف «ش» است. بدین ترتیب کلمه «هاشمی» نیز خوانده می‌شود. در همین سطر، این رمز: ۱۱، نماد حرف «د» بوده و کلمه «مادرش» و در سطر سوم، کلمه «ادهم» را کامل می‌کند.
  ۶. در سطر سوم، این رمز: ۱۱، نماد حرف «و» و رمز: ۱۱، نماد حرف «ض» است. بدین ترتیب کلمات «بوده» و «رضوان» نیز خوانده می‌شود.
  ۷. در سطر چهارم، تکرار این رمز: ۷، در کنار هم و قرار گرفتن دو «الف» در طرفین آنها، کلمه «الله» را در ذهن تداعی می‌کند.
  ۸. در سطر چهارم، این رمز: ۱۱، نماد حرف «ع» از کلمه «علیهم» و رمز: ۱۱، نماد حرف «ج» از کلمه «اجمعین» است.
  ۹. در سطر دوم، این رمز: ۱۱، نماد حرف «خ» و رمز: ۱۱، نماد حرف «ت» بوده و بنابراین، کلمه «دختر» نیز خوانده می‌شود.
- بدین ترتیب عبارت «ابن ابی بکر ابن قحافه هاشمی. مادرش دختر ابراهیم ادهم بود. رضوان الله علیهم اجمعین.» از میان این حروف رمزی، ظاهر شده و سلسله نسبی را که در آغاز این نسخه برای سلطان ولد ذکر شده است کامل می‌کند:
- ... محمد بن جلال‌الدین رومی ابن شهاب‌الدین ولد بن شیخ حسین ابن عطاء بلخی ابن نصرالله ابن ابی بکر ابن قحافه هاشمی. مادرش دختر ابراهیم ادهم بود.<sup>۵</sup> رضوان الله علیهم اجمعین.<sup>۶</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. در این باره، نک: «حقایق و دقایق درباره حقایق و الدقایق»، صص ۲۲۶-۲۳۴.
۲. [دقایق‌الحقایق]، نسخه کتابخانه ملی تبریز، ورق ۱.
۳. همان، ورق‌های ۲۱۵-۲۱۶. مولانا نیز در دفتر دوم مثنوی و در اثنای حکایت «بیدار کردن ابلیس، معاویه را...» به این ماجرا اشاره می‌کند، اما در آنجا نامی از ابوبکر برده نمی‌شود:  
آن یکی می‌رفت در مسجد درون      مردم از مسجد همی آمد برون  
گشت پیرسان که: جماعت را چه بود      که ز مسجد می‌برون آیند زود؟  
آن یکی گفتش که: پیغمبر نماز      با جماعت کرد و فارغ شد ز راز  
تو کجا در می‌روی ای مرد خام؟      چونک پیغمبر بداده‌ست السلام  
گفت آه و دود از آن آه شد برون      آه او می‌داد از دل بوی خون  
آن یکی گفتا: بده آن آه را      وین نماز من تو را بادا عطا  
گفت: دادم آه و پذیرفتم نماز      او ستد آن آه را با صد نیاز...  
(ابیات ۲۷۷۱-۲۷۷۷)
۴. دقایق‌الحقایق، صص ۵۶۲-۵۶۳.
۵. واضح است که بررسی صحّت و سقم این سلسله نسب از موضوع این بحث خارج است.
۶. [دقایق‌الحقایق]، نسخه کتابخانه ملی تبریز، ورق ۱.

## منابع

- دقایق‌الحقایق، رومی، احمد، به اهتمام محمدرضا جلالی نائینی و محمد شیروانی، تهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴ ش.
- [دقایق‌الحقایق]، [رومی، احمد]، نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره ۳۱۷۵، از مجموعه هدایایی حاج محمد نخجوانی، به خط محمد بن مصطفی مولوی استانبولی، کتابت شده در استانبول، به تاریخ ۱۱۲۲ ه.ق.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال‌الدین، تصحیح و مقدمه قوام‌الدین خرمشاهی، تهران، ناهید، ج دوم، ۱۳۷۸ ش.
- «حقایق و دقایق درباره حقایق و الدقایق»، آقاخان پورسرخاب، مجید، آینه میراث، پیاپی ۳۹، زمستان ۱۳۸۶ ش.

نسخه بنیادین در دفتر کل  
۱۳۰۳ هجری قمری ثبت گردید

هذا كتاب حقايق الدقايق من مؤلفات محمد بن مولانا  
جلال الدين والحق والارشاد والتقوى والدين محمد  
رومي عليه الترجمة والمغفرة قدس سرهما  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِغِي  
أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ  
عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَوْلَادِهِ وَصَلِّ عَلَيْهِ أَجْمَعِينَ أَمَّا بَعْدُ  
فَإِنَّ كِتَابَ إِرْتِصَانِ مُحَمَّدِ بْنِ جَلَالِ الدِّينِ رُومِيِّ  
ابن شهاب الدين ولد شيخ حسين ابن عطاء بنى ابن نصر  
الله  
X I E O S X H M O S X V S X  
H S I H H X V M S H X B B  
X H B S H H S H H H H H H H  
V O = V I X V H O V = B X V V X V  
و تالیف این کتاب شریف مبنی بر هشتاد فصل کرده  
باتفاق



واگذاری مرسوم حاج محمد نجوانی  
کتابخانه ملی ایران

صفحه آغاز نسخه [دقايق الحقايق]

نسخه شناسی / رمز گشایی از یک نسخه خطی

و ممکن است که برای طمع مال و غلام و کنیزک باشد و  
 یا خود خلق او را گویند که این جز بهادرست درین جمله که  
 ذکر رفت ریاضی کجند اما در کسریه ریاضی کجند بدلیل  
 آنکه تادل آدمی زاد با آتش اندوه نرسد آن آب دیده او  
 پدید نیاید که اشک خون جگر است که چون آتش بر جگر  
 میزند جگر میسوزد و آب میگردد از دیده بیرون میآید  
 خداوندگار مولا ناقدس سره فرماید بدین  
 تا جگرها را نسوزاند عبید آب در دیده تجا آید پدید  
 اشک خونست و زغم آبی شده کی بگری چشم کس بر بپهد  
 در اصحاب رسول صلی الله تعالی علیه وسلم شخصی بود  
 هفت سال تمام نماز پنج وقت در عقب رسول خدا  
 گزارد بود و پیوسته فخر آوردی که چندین سالست  
 در عقب رسول خدا پنج وقت نماز بجای آورم بی فوت  
 از قضا روزی بمسجد درآمد دید که رسول الله صلی الله  
 علیه وسلم با آن جماعات امامت کرده است و نماز  
 ظهر گزارده و بخانه رفته ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ و دیگر  
 جماعت از اصحاب در مسجد نشسته اند آن شخص

دوره جدید، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷ (پیاپی ۴۲)

ورق ۲۱۵ از نسخه [دقایق الحقایق]

از تأسف فوت نماز جماعت کریم آغاز کرد و کریم از حد  
ببرد X س که ماه الحفت ای عزیز این چندین کریم  
از بهر چیست گفت از برای آنکه وارد دل نیت آن بود  
چندانکه عمر من باشد پنج وقت نماز با رسول خدا گذارم  
امروز وقت فوت کرده ام X س ۵۰ س ماه الحفت  
شانزده سالست که در عقب رسول خدا نماز جماعت  
گزارم با این سوز دل و قطره‌های چشم تو میفر و شتم آن  
شخص شاد گشت و راضی شد و X س ۵۰ س ماه الحفت راضی  
تر گشت درین بیع و شری بودند که حضرت رسالت پناه  
صلی الله تعالی علیه وسلم از در مسجد درآمد X س که  
ماه الحفت را بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عرضه کرد  
رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت یا X س که ماه الحفت  
بیع و شرای سودمند کرده و نذر دزدی تعالی قطره آب  
دیده که از ترس خدای متعال باشد و برای هزار ساله  
عبادتت مولانا قدس سره فرماید ندیده  
افضل اعمال اشک دیده است ای خنک آن دیده کاشکی دیده است  
اشک دیده کواه عد است بر اقرار جرمها و ندامت کناهها  
و هر که

ورق ۲۱۶ از نسخه [دقایق الحقایق]